

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)
• سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) آرش خاموشی (عس) • هادی حدیدی (طرح و کاریکاتورها) • شنن رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: مدیر اداری و آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

درس‌هایی برای یک نویسنده جوان



پیمان طالبی
روزنامه‌نگار

دیدید نوجوان‌های دهه ۸۰ و ۹۰ را؟ هزارویک ویژگی در این نسل وجود دارد که یکی از مهم‌ترین‌هاش، این است که به هیچ آدمی از درجه اسطوره‌سازی نگاه نمی‌کنند. آنها خیلی ساده و صریح، تحلیل‌های یک اکانت اینستاگرامی را در یک موضوع خاص، بهتر و کاربردی‌تر از مقالات یک روشنفکر خوش‌نام و باسابقه می‌دانند و ابایی از گفتن این عقیده‌شان هم ندارند. یعنی بیش از هر چیز به «متن» توجه می‌کنند و مقهور نام‌هایشان نیستند.

این نظرگاه، وقتی وارد عالم ادبیات می‌شود، این‌گونه قابل تفسیر خواهد بود که بدانیسم و به خود بقولانیم که نام‌های بزرگ نمی‌توانند شعر ضعیف بگویند یا داستان کمره‌قوی بنویسند. همه نوشته‌های یک نویسنده یا روشنفکر نباید از عیار بالایی برخوردار باشند و آن قلم به دست نیز می‌تواند یک جاهایی خام‌دستانه یا حتی متعصبانه نوشته باشد. همه این حرف‌ها زبیا و منطقی بنظر می‌رسد اما تا یک جایی؛ آنجا که هنوز نام آن روشنفکر یا قلم‌بده دست را نبرده‌ام! مثلاً اگر بگویم همه توضیحات بالا در مورد شاملو یا اخوان ثالث یا احمد محمود یا ابراهیم گلستان هم مصداق دارد، آن وقت احم خیلی‌ها دردم می‌روند! آقا، دارید درباره اخوان حرف می‌زنید؟! مگر احمد محمود هم داستان «در نیامده» دارد؟! یا بزرگترین در مجموعه آثار یک نویسنده یا شاعر، چیزی است که امروز اهالی ادبیات بیش از هر چیز به آن نیاز دارند. عمیقاً به این معتقدم. یعنی می‌گویم باید یک‌بار از اول همه نوشته‌های ابراهیم گلستان، از «شکار ساینه» و «مد و مه» گرفته تا همین کتاب آخر؛ «از راه و رفته و رفتار» را گذاشت کنار هم و به آنها نمره داد. اگر جایی از این نوشته‌ها وجد ارزش و قابل اعتناست، باید آن را به بانگ بلند گفت و اگر جایی هم برخی چارچوب‌ها و حداقل‌های نویسندگی در آنها رعایت نشده، آن را هم باید فریاد زد. حالا سخن این متن بر سر چیست؟ صادق هدایت، در جای جای کارنامه هدایت، چیزهای زیادی برای بررسی کردن، دقیق شدن، انگشت گذاشتن و حتی آموختن وجود دارد. امروز دیگر هدایت صرفاً آن نویسنده‌ای نیست که با نوشتن «بوف کور» انقلابی در داستان فارسی پدید آورد. دهه‌ها از نوشتن و انتشار «بوف کور» گذشته و هزاران نویسنده ایرانی در فضای که هدایت خلق کرد، پیش‌تر از او رفته‌اند. هدایت لزوماً تمام آن نویسنده‌ها «بهتر» نیست، بلکه «مهم‌تر» است و این‌ها را نباید با هم خلط کرد.

یکی از ویژگی‌های آموختنی در کارنامه زندگی هدایت و نسل او، روحیه کار جمعی است. اتفاقاً هدایت آدمی است که ماهواره او را با بسیاری در دست، در کافه‌های تارک، تک و تنها پشت میز تصور کرده‌ام، حال آنکه یکی از مهم‌ترین گروه‌های ادبی و روشنفکری یک صدسال گذشته با حضور صادق هدایت پا گرفته است. گروه ربهه که همان طور که از اسمش پیداست چهار نفر عضو داشت؛ هدایت، مجتبی مینوی، بزرگ علوی و مسعود فرزند. آنها به‌ظاهر ظاهرها را کار فارغ می‌شدند، در کافه‌های تهران دور هم جمع می‌شدند و گاه تا دیروقت به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. هرکس هرچه که تازه دیده و یافته بود را در آن جمع می‌خواند. گاهی علوی یادداشت تازه‌ای را به آن محفل خصوصی می‌آورد و گاه فرزند از جملهای را، مینوی از متنی که در یکی از نشریات تازه فرانسوی یافته بود سخن می‌گفت و هدایت داستان تازه‌اش را می‌خواند. یکدیگر را «نقدی به غش» می‌کردند و از انتقاد ابایی نداشتند. رونق این گروه ادبی و شهرت آنها به حدی رسید که خیلی زود گروهی دیگر با عنوان «سبعه» به راه افتاد. این همان چیزی است که می‌توان تصور ما از هدایت را درگوشن کند. نویسنده‌ای که اتفاقاً در جمع‌ها حاضر است و عضو گروهی نیز هست، روی جلد بعضی از کتاب‌های هدایت ردپایی از اعضای ربهه نیز هست که نشان می‌دهد از دوره‌های این گروه، کارهای جدی هم‌گام کرده‌اند. مثل داستان «وغوغ ساهاب» که هدایت و فرزند آن را مشترکاً نوشتند. یا نمایشنامه «مازبار» هدایت که مینوی مقدمه‌ای مفصل بر آن نوشت. یک تصویر دیگر از هدایت که باید اصلاح شود هم، روحیه نفرت‌پرانی است. برای ما این‌طور ترسیم شده که هدایت غالباً کسی را قبول نداشت، به همه منتقد و معترض بود، حتی اگر نمی‌توانسته انتقادش را توی صورت کسی فریاد بزند، در نامه‌ها و نوشته‌هایش خوب از خجالتش درمی‌آمده. اما در کنار این‌ها، این را باید اضافه کرد که هدایت در مقابل آنها که واقعاً کسوت و دانشی داشتند، به واقع خاضع و فروتن بوده است. همین حالا که من این را می‌گویم، آیا کسی در ذهن‌تان هست که بشود گفت هدایت در مقابل او نیمه‌تعظمی کرده باشد؟ می‌بینید؟ احتمالاً مصداقی در ذهن‌تان نیست چون نام هدایت برای ما با «مغرور و متبخت» مترادف بوده است!

لژیونرهای سرگردان

روزهای سخت سردار آزمون، مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش و سعید عزت‌اللهی بازیکنان ثابت تیم ملی در اروپا فرارسیده است



سعید خرمی
خبرنگار ورزشی هم‌میهن

روزهای سخت سردار آزمون، مهدی طارمی و علیرضا جهانبخش بازیکنان ثابت تیم ملی در اروپا فرارسیده است. تیم ملی فوتبال ایران بعد از ناکامی در جام ملت‌های آسیا درصدد حضوری مطلوب در انتخاباتی و جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا است. مسیری که طبعاً باید با جوانگرایی همراه شود. موضوعی که البته به تأیید امیر قلعه‌نویی نیز رسیده است. در کنار حذف تیم ملی ایران از جام ملت‌ها، بالا رفتن سن بازیکنان نیز موضوعی است که نمی‌توان به راحتی از کنارش عبور کرد. عدم توجه به تیم‌های پایه و البته سیستم گلخانه‌ای باشگاه‌های فوتبال که صرفاً به دنبال خرید ستاره‌ها از تیم‌های دیگر هستند، اینجا خودش را نشان می‌دهد که امیر قلعه‌نویی نمی‌تواند به راحتی چشم‌پوشی را به روی بازیکنان مسن تیم ملی ببندد. باین حال یکی از اتفاقات تلخ فوتبال ایران، افت ستاره‌های ایرانی در لیگ‌های اروپایی است که نشان می‌دهد روزهای پرفروغ لژیونرهای ایرانی به پایان نزدیک شده است. هر چه ستاره‌های ژاپنی و کره‌ای از مهره‌های اثرگذار تیم‌هایشان هستند طارمی، جهانبخش، سردار آزمون... به درب خروج باشگاه‌هایشان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند.

دیپورت از فوتبال هلند

یکی از بازیکنانی که به خصوص در دو دیدار پایانی تیم ملی ایران در جام ملت‌ها، در خشان ظاهر شد علیرضا جهانبخش است که در دیدار با ژاپن پنالتی حساس دقیقه ۹۵ را تبدیل به گل کرد و در تقابل با قطر نیز عملکرد قابل قبولی داشت هرچند سرانجام کار، شکست ایران در نیمه‌نهایی بود. باین حال باشگاه فاینورد هلند با انتشار مطلبی از اتمام همکاری خود با علیرضا جهانبخش، لژیونر تیم ملی فوتبال ایران خبر داد. نام این ملی‌پوش فوتبال کشورمان در فهرست خروجی باشگاه هلندی است و مسئولان این تیم قصد تمدید قرارداد با هافبک ایرانی خود را ندارند. علیرضا در این فصل فقط ۱۰ بار برای فاینورد در لیگ هلند به میدان رفته و حتی یک بار هم موفق به گلزنی نشده است. تنها گلی که جهانبخش در این فصل فوتبالی زده، مربوط به حضور این تیم در مسابقات یوفاست. هافبک ۳۲ ساله ایرانی براساس آنچه صرفاً رسانه‌های ایرانی می‌گویند، پیشنهادی از بشیکتاش ترکیه دریافت کرده و احتمالاً راهی لیگی خواهد شد که برای فوتبال‌بست‌های ایران آنچنان خوش‌یمن نیست. البته با جست‌وجوی ساده از رسانه‌های ترکیه‌ای، این خبر نیز به تأیید نمی‌رسد و شاید جهانبخش سرانجام بعد از حدود یک‌دهه بار دیگر به فوتبال ایران برگردد؛ هر چند تلاش جهانبخش ادامه حضور در فوتبال اروپا است.

طارمی در لیست سیاه سرمربی

مهدی طارمی، دیگر بازیکن ایرانی شاغل در فوتبال اروپاست که در تیم پورتو پرتغال بازی می‌کند. از زمانی که گمانه‌زنی‌ها برای حضور مهدی طارمی در تیم اینتر قوت گرفت، افت این بازیکن شروع شد. به‌مرور ما باشگاه اینتر سعی کرد این موضوع را رسماً اعلام کند و همین اتفاق نیز رخ داد، اما کمتر کسی تصور می‌کرد این اتفاق منجر به این شود که فوتبال طارمی با افت شدیدی همراه شود. در جام ملت‌ها بعد از بازی ضعیف طارمی مقابل سوریه و اخراجش از زمین، تیم ملی در غیاب این بازیکن مقابل ژاپن کیفیت قابل قبولی از خود به نمایش گذاشت و به جمع چهار تیم برتر آسیا صعود کرد، اما بار دیگر با حضور در دیدار با قطر، کیفیت خط حمله ایران افت کرد؛ چراکه طارمی تمرکزش روی مصدوم نشدن بود تا قراردادش با اینتر از بین نرود. در فصل جاری هم طارمی آنطور که باید کیفیت بالایی از خود نشان نداد و تبدیل به بازیکن نیمکت‌نشین و حالا سکونشین پورتو شده است. طارمی در این



افت سردار

کناهیه آمیز است که بگویم آغاز موفقیت بایرلورکوزن، با خروج سردار آزمون از این تیم تلاقی داشته است اما حقیقت دارد. سردار که به‌یکبار از روسیه به آلمان رفت تا پیراهن بایرلورکوزن را بر تن کند، انتظار می‌رفت روزهای پرفروغی برای او رقم بخورد، اما این امر میسر نشد. او در بایرلورکوزن به یک بازیکن نیمکت‌نشین صرف تبدیل شد تا در نهایت با اولین پیشنهاد از آ.اس.ام. به این تیم منتقل شود. پس‌کنش‌ها از آ.اس.ام. بعد از اخراج مورینو هم شرایط سردار تغییری نکرد و مصدومیت‌های پیاپی این بازیکن باعث شده تا او هم مانند طارمی مهاجم چهارم تیمش باشد. سردار طی ۲۳ بازی که برای ژم به میدان رفته فقط دو بار گلزنی کرده است. البته سردار در تیم ملی عملکرد قابل قبولی داشته اما روند نزولی او در فوتبال اروپا باعث شده تا سردار بپذیرد دیگر بازیکن ثابت تیمی در اروپا نخواهد بود.

سعید عزت‌اللهی

یکی از بازیکنان دیگر که در تیم اتلتیکو «ب»، حضور داشت اما نتوانست آنطور که باید از این امتیاز بهره‌مند شود، سعید عزت‌اللهی است که از ۱۸ سالگی به فوتبال اروپا رفته اما عملکرد قابل دفاع نبوده است. سعید که همواره از بازیکنان فیکس تیم ملی در ادوار مختلف بوده به خصوص در سال پایانی، در وایله دانمارک کم‌فروغ ظاهر شد و فقط ۱۱ بار برای این تیم به میدان رفت. او حالا به فوتبال امارات و تیم باشگاهی شباب الاهلی رفته و در چهار بازی اخیر به‌طور ثابت به میدان رفته است. سعید در جام ملت‌های آسیا نیز صصای دست امیر قلعه‌نویی نبود تا با توجه به مورد غضب بودن نوراللهی نزد قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی ایران باید فکر دیگری در خط هافبک دفاعی تیم ملی داشته باشد. در روزهایی که تیم ملی ژاپن ۱۱ بازیکن فیکس در فوتبال اروپا دارد، ستاره‌های ایران یک به یک در حال خروج از تیم‌هایشان و بازگشت به فوتبال ایران یا تیم‌های خلیج فارس هستند.

چهره

هستی امیری و ضیا نبوی به زندان اوین رفتند

حکم یک‌سال حبس ضیا نبوی و هستی امیری، پس از احضار به شعبه اجرای احکام زندان اوین، روز شنبه ۱۸ فروردین ماه، اجرا شد. در روزهای پایانی سال ۱۴۰۱ و در پی تشکیل پرونده قضایی، بابت تجمع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، این دو دانشجوی را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک‌سال حبس محکوم کرد که این حکم در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر نیز عیناً تأیید شد. آبان‌ماه ۱۴۰۲ زمانی که این دو دانشجوی برای اجرای حکم به اوین رفتند، به آن‌ها گفته شد که به‌دلیل ابهامات در پرونده و تا بررسی و اعلام نظر آتی، فعلاً آزاد هستند. باین حال در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲، مجدداً برای اجرای حکم، به زندان فرارخوانده شدند و برخلاف بار قبل که اجرای حکم‌شان به تعویق افتاده بود، این بار حکم‌شان اجرا شد و به داخل بند منتقل شدند.



کتابخانه

بنیان تقی‌ش عقایید در خلافت عباسی

کتاب «تبارشناسی حسبه»، نوشته احمد صبحی منصور، با ترجمه عدنان فلاحی در ۱۴۳ صفحه و با قیمت ۱۵۰ هزار تومان، توسط نشر نو منتشر شده است. امویان برای توجیه اعمال‌شان نیازی به فتوای شرعی نداشتند اما عباسیان که رژیم خود را - به اعتبار نزدیکی‌شان به نبی - تحت شعار دینی «الرضی من آل محمد» برپا کردند، به توجیه شرعی نیاز داشتند تا روا بدارد که هر کدام از مخالفان‌شان را که خواستند به قتل برسانند و از همین رو، وظایف دینی‌ای را برای تحکیم سلطه‌شان به وجود آوردند که از جمله آن‌ها شغل حسبه و



**تبارشناسی حسبه
نویسنده:
احمد صبحی منصور
مترجم:
عدنان فلاحی
انتشارات: نشر نو**

وقتی رخ دهد که آنها مرتکب گناهی در حق خدا یا نوع بشر شده باشند، در مورد کسی که مرتکب گناهی چون قتل، سرقت، قذف یا زانی می‌شود اتفاق نظر هست که مستحق مجازات یا بتعبیر فقهی مستحق «حدود» است. احمد صبحی منصور؛ نویسنده این کتاب، محقق، اسلام‌شناس معاصر، رهبر معنوی قرآنیان در مصر، فعال حقوق بشر و رئیس مرکز جهانی قرآن (IQC) است.

تاریخ

شروع ساخت مدرسه سپهسالار

مسجد و مدرسه میرزا حسین خان سپهسالار، نخستین و بزرگ‌ترین مسجد و مدرسه عالی در تهران و بزرگ‌ترین بنای مذهبی در ایران پس از مدرسه چهارباغ اصفهان است. ساخت مدرسه این مجموعه در ۱۹ فروردین ماه ۱۲۵۸ خورشیدی در کنار ساختمان مجلس شورای ملی و در جنوب شرقی میدان بهارستان تهران آغاز شد. در سال ۱۲۵۹، سپهسالار با خرید کتابخانه ۴۰۰ نسخه‌ای اعتضادالسلطنه، کتابخانه مسجد راه‌اندازی کرد که در حال حاضر در آن بیش از ۴۲۰۰ کتاب خطی و نزدیک به ۱۰ هزار کتاب چاپ سنگی موجود است. مسجد سپهسالار با برخورداری از ۱۰ مناره (بیش از اندازه متداول) و گنبد دوگوش خوابیده، به معماری مساجد ترکیه شباهت دارد. ساختمان مسجد دو طبقه بوده و در هر طبقه حجره‌هایی (۶۰ حجره) برای سکونت طلاب ساخته شده بود. در دوره‌های مختلف در این مسجد تغییراتی صورت گرفت. برای نمونه در سال ۱۳۲۰ در محل گلخانه قدیمی، تالاری بنا شد که امروزه مجموعه دارالقرآن است. در سال ۱۳۴۲ تغییراتی در شیستان زمستانی مسجد به دست استاد لژزاده انجام شد و در سال ۱۳۷۵، مهندس سعیدی گنبد اصلی را مرمت کرد.

آرینه و آینه‌ای راه‌چون

برادر گرامی جناب آقای دکتر عمید نائینی

درگذشت برادر گرامی‌تان، مرحوم کیومرث نائینی را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند منان برای ایشان آمرزش الهی و برای جنابعالی و خاندان محترم شکیبایی آرزو مندیم.

فریدون وردی نژاد